

## فصل نامه دانش شناسی

(علوم کتابداری و اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

سال دهم، شماره ۳۷، تابستان ۱۳۹۶، از صفحه ۳۱ الی ۴۲

# نظریه زمینه‌ای در قلمرو علم اطلاعات و دانش شناسی

شهره سیدحسینی<sup>۱</sup> | دکتر احمد شعبانی<sup>۲</sup> | دکتر عاصفه عاصمی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، tanin64@gmail.com

۲. استاد گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه اصفهان، ahmadshabania@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه اصفهان، af\_asemi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۳

## چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر به بررسی ابعاد و وجوه گوناگون نظریه زمینه‌ای در پیوند با مطالعات کیفی و رشته علم اطلاعات و دانش شناسی می‌پردازد.

**روش پژوهش:** روش انجام این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند مدل‌ها و الگوهای مختلف ارائه شده در مطالعات پیشین بوده است. به علاوه و بر همین اساس چارچوبی برای نظریه پردازی و ارزیابی کیفیت پژوهش‌های نظریه زمینه‌ای نیز ارائه شده است.

**یافته‌ها:** نتایج حاصل از مطالعه حاضر نشان داد که به منظور نظریه‌پردازی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای در حیطه علم اطلاعات و دانش شناسی بایستی رویکردهای «درجه مفهوم‌سازی» و «دامنه نظریه» را به شکل جدی مدنظر قرار داد. بر این اساس در حیطه «درجه مفهوم‌سازی» باید از توصیف محض موضوعات مورد مطالعه در علم اطلاعات و دانش شناسی به سمت تفسیر و بازتعریف مسائل پژوهشی مطرح در این حیطه گام برداشت و در نهایت به نظریه‌های ساختارمند و مبتنی بر شواهد دست یافت. همچنین در حیطه «دامنه نظریه» باید فقر نظری موجود در مطالعات علم اطلاعات و دانش شناسی را به گونه‌ای مورد توجه قرار داد که بتوان از «مفاهیم اصلی» مطرح در این حوزه به «نظریه‌های اساسی»، و نهایتاً به «نظریه‌های رسمی» - یعنی بالاترین سطح نظریه‌پردازی در یک رشته علمی - نائل شد.

**نتیجه‌گیری:** نظریه زمینه‌ای روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که امکان نظریه‌پردازی را برای پژوهشگران حوزه‌های موضوعی مختلف فراهم می‌کند. پژوهشگران بجای اتکا بر نظریه‌های پیشین، به شکل نظام‌مند و بر اساس داده‌های واقعی اقدام به تدوین نظریه می‌کنند. استفاده از نظریه زمینه‌ای مربوط به مواردی است که دانش ما در آن زمینه‌ها محدود است.

**واژه‌های کلیدی:** روش کیفی، نظریه زمینه‌ای، نظریه‌پردازی، علم اطلاعات و دانش شناسی.

است، نه پیش‌بینی آن چه که ممکن است در محیط‌های مشابه اتفاق بیفتد و پژوهش بر آن است که چرایی رفتارهای افراد را درک کند" (ص. ۲۳۴). در حقیقت دیدگاه پاول این موضوع را مورد تأکید قرار می‌دهد که انتظار دستیابی به نتایج سریع از رهگذر انجام یک پژوهش مبتنی بر نظریه زمینه‌ای امری غیر قابل قبول است زیرا فرایند آمیختگی پژوهشگر با محیط و داده‌های مرتبط با آن امری زمان‌بر است. به‌علاوه نمی‌توان انتظار داشت که با انجام پژوهش مبتنی بر نظریه زمینه‌ای، شرایط و ویژگی‌های خاص یک پدیده را همسو با شرایط و ویژگی‌های پدیده‌ای مشابه در بافتی دیگر تلقی نمود و نتایج حاصل از مطالعه پدیده نخست را به سایر پدیده‌ها تعمیم داد.

منصوریان (۱۳۸۶) تعریف دیگری از نظریه زمینه‌ای ارائه داده است: "نظریه زمینه‌ای در ساده‌ترین شکل ممکن عبارت است از فرایند ساخت یک نظریه مدون از طریق گردآوری سازمان یافته داده و تحلیل استقرایی داده‌ها برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین آن دسته از پژوهش‌های کیفی که فاقد مبانی نظری کافی در زمینه موضوع مورد مطالعه هستند".

نظریه زمینه‌ای برای حوزه‌های مختلف مطالعاتی و از زمان ارائه روش‌شناسی گلاسر و اشتراوس<sup>۵</sup> (۱۹۶۷) فراگیر شده است (تان<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). کشف نظریه زمینه‌ای به رویکردی نظام‌مند برای گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور نظریه‌پردازی اشاره دارد. گلاسر و اشتراوس رویکرد نظریه زمینه‌ای را در دهه ۱۹۶۰ مطرح نموده و به صورت نظام‌مند درآوردند (شی‌یا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴).

مطالعه نظریه زمینه‌ای از آن رو حائز اهمیت است که امروزه با به چالش کشیده شدن رویکردهای کمی و بعضاً تکراری و فاقد نوآوری در پژوهش، بستر لازم جهت پرداختن به رویکردهای با گرایش کیفی که زمینه‌ساز تولید نظریه هستند مهیا شده است. از همین منظر اشتراوس و کوربین<sup>۸</sup> (۱۳۹۰) به وجوه شاخص نظریه زمینه‌ای اشاره نموده و معتقدند در این

در میان رویکردهای مختلف پژوهش‌های کیفی، نظریه زمینه‌ای<sup>۱</sup> به عنوان روش، روش‌شناسی، مجموعه‌ای از روش‌های تحلیلی، یا یک برون‌داد یا محصول نهایی تحقیق قابل بحث و بررسی است. نظریه زمینه‌ای مجموعه‌ای از اصول و کنش‌ها، مجموعه‌ای از فنون و روش‌ها- یا تلفیقی از این دو- یا نوعی طرح پژوهشی و به قسمی برون‌داد یک پژوهش در نظر گرفته می‌شود (الیوت و لیزنبات<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). در واقع نظریه زمینه‌ای را فرایند تولید نظریه و به عنوان مجرایی از قابلیت‌های افزایش سطح انتزاع، گستره و دامنه نظریه تعریف کرده‌اند (اوگهارت، لمان، و مایرز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). هر چند بسیاری از پژوهشگران حوزه روش‌شناسی اصطلاح "نظریه زمینه‌ای" را برای واژه گراند تئوری برگزیده‌اند برخی صاحب‌نظران از جمله دانایی‌فرد (۱۳۸۹: ۴۸) نظریه زمینه‌ای را "نظریه داده‌بنیاد"، گروهی دیگر از جمله بازرگان (۱۳۹۱: ۹۳) آن را "نظریه برخاسته از داده" و شماری دیگر از نظریه پردازان نیز آن را "نظریه تجربه محور" (رضویه، ۱۳۳۳: ۲۷۸) ترجمه نموده‌اند.

پاول<sup>۴</sup> (۱۳۷۹) در تعریف نظریه زمینه‌ای اظهار می‌دارد: "نظریه زمینه‌ای، روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را به جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی و سایر پژوهش‌ها یا چهارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. زمانی که گردآوری و تحلیل داده‌ها متوقف شد، نظریه حاصل، درک عمیقی در ارتباط با موجودیت‌های مورد مطالعه فراهم می‌کند. این کار، نظریه را به عنوان یک فرایند، مورد تأکید قرار می‌دهد، یعنی به جای یک فرآورده تکمیل شده، آن را موجودیتی پیوسته و در حال تکوین تلقی می‌کند. قابلیت تعمیم در این جا عامل موثری نیست. زیرا هدف، درک پدیده است نه کنترل آن و منظور ادراک شرایط در یک محیط خاص و به همان شکل موجود

5. Glaser & Strauss

6. Tan

7. Shiau

8. Corbin

1. Grounded Theory

2. Elliott & Lazenbatt

3. Urquhart, Lehmann, & Myers

4. Powell

آینده را شکل می‌دهد اما هیچ یک را به‌طور کامل پیش‌بینی نمی‌کند. روش‌های ضروری به پژوهشگران امکان می‌دهد آنچه را نمی‌دانند پیش‌بینی کنند. نظریه زمینه‌ای به ویژه با مطالعه چنین حیطه‌هایی تناسب دارد زیرا این روش به خودی خود دربردارنده ویژگی‌های ضروری است (چارمز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸).

نظریه زمینه‌ای با منطق استقرایی آغاز شده اما به سمت منطق استدلالی پیش می‌رود به نحوی که پژوهشگر از طریق این نظریه در جست‌وجوی شناخت یافته‌های تجربی ضروری گام بر می‌دارد. منطق استدلالی به هدف برانگیختگی حس کنجکاوی، ناهنجاری‌ها یا تکمیل قطعات یک پازل در قالب داده‌های گردآوری شده عمل می‌کند. این منطق نیازمند تفسیرهای خلاقانه و انتزاعی است، زیرا پژوهشگر همه مبانی نظری محتمل را برای داده‌های مورد مشاهده در ذهن مهیا کرده و سپس به تدوین فرضیه‌ها و بررسی آن‌ها جهت دستیابی به تفسیری معتبر می‌پردازد (کمپستر و پری<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱).

ضرورت پرداختن به نظریه زمینه‌ای: به گفته سودابی<sup>۸</sup> (۲۰۰۶) همچون بسیاری موضوعات، نظریه زمینه‌ای از لحاظ تاریخی تا سرحد امکان مورد شناسایی قرار گرفته است. بدان مفهوم که زیرساخت‌های تاریخی که خاستگاه نظریه زمینه‌ای بوده‌اند، برای پاسداشت اصول و مبانی آن ضرورتی انکارناپذیر دارند. به‌طور ویژه نظریه زمینه‌ای جهت پاسخ به دو موضوع اساسی ایجاد شده است: موضوع اول، مقابله با تسلط فراگیر جهان‌بینی‌های کمی در پژوهش‌های علوم اجتماعی در طول دهه ۱۹۶۰؛ در گذشته پژوهش کیفی به عنوان یک سبک صرفاً روایتی، غیرنظام‌مند و دارای سوگیری مورد تمسخر قرار می‌گرفت (دان<sup>۹</sup>، ۲۰۱۱). همانطور که مک گی، مرلند، و آتکینسون<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۷) بیان کرده‌اند، نظریه زمینه‌ای شیوه‌ای را مطرح می‌کند که طبق آن وضعیت فعلی پژوهش‌های اجتماعی به چالش کشیده می‌شود، به گونه‌ای که مطالعات فعلی تحت

نظریه پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند بلکه کار را در عرصه "واقعیت"<sup>۱</sup> به پیش برده و اجازه می‌دهد تا نظریه از درون داده‌هایی که گردآوری شده پدیدار آید. نظریه‌ای که بدین طریق از داده‌ها استخراج شده، بیشتر به واقعیت و حقیقت یک موضوع نزدیک است؛ واقعیتی که می‌تواند بصیرت‌افزا بوده و به تقویت فهم منجر شود. هر چند استخراج مفاهیم از بطن داده‌ها مشخصه اصلی این روش است اما خلاقیت<sup>۲</sup> پژوهشگر نیز در این بین نقشی اساسی ایفا می‌کند. این خلاقیت توأم با انعطاف جزئی تفکیک‌ناپذیر از نظریه زمینه‌ای نیز محسوب می‌شود. در حقیقت با توجه به مطالب ذکر شده نظریه زمینه‌ای کاربرد مجموعه‌ای از فنون و روش‌ها به منظور انجام پژوهشی است که به خلق و تولید نظریه می‌انجامد؛ نظریه حاصل بدون استنتاج از پیش فرض‌های قبلی و به‌طور مستقیم از داده‌ها حاصل می‌شود.

خاستگاه فلسفی نظریه زمینه‌ای: در تجزیه و تحلیل نظریه زمینه‌ای - به عنوان یک روش - ضروری است خاستگاه این نظریه مورد توجه قرار گیرد. "ظهور و پدیداری"<sup>۳</sup> یکی از ویژگی‌های اساسی نظریه زمینه‌ای است؛ هم در فراورده‌های مرتبط با آن و هم در راهبردهای مربوط به روش‌شناسی. فارغ از هدف بیان شده درباره کاربرد نظریه زمینه‌ای، نظریه‌های لازم از داده‌هایی که توصیف‌کننده داده‌های دیگر است، ایجاد می‌شود. گامی به عقب برداشته و به "ظهور یا پدیداری" به مثابه مفهومی که به ادراکات مختلف و کاربردهای آن در نظریه زمینه‌ای معنا می‌بخشد، نگاهی می‌اندازیم. مفهوم ظهور یا پدیداری به عنوان فهم معرفت‌شناختی<sup>۴</sup> و نظریه‌ای در بستر زمان فرض می‌شود. پژوهشگرانی مانند امیل دورکیم<sup>۵</sup> بر این باورند که ظهور یا پدیداری به مفهوم حرکت، پردازش و تغییر است؛ اصطلاح ظهور یا پدیداری به مفهوم وقوع رخدادی غیر منتظره محسوب می‌شود. این زمان گذشته است که حال و

6. Charmaz

7. Kempster & Parry

8. Suddaby

9. Dunne

10. Mcghee, Marland, & Atkinson

1. Reality

2. Creativity

3. Emergence

4. Epistemological

5. Émile Durkheim

بنابراین طی دهه گذشته شاهد افزایش علاقه پژوهشگران به استفاده از روش نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی بوده‌ایم. نظریه زمینه‌ای یک روش پژوهش کیفی است که به دنبال ایجاد یک نظریه از بین داده‌های نظام‌مند و تجزیه و تحلیل آن داده‌ها است (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰).

فرایند تولید نظریه زمینه‌ای و مدل طراحی‌شده: نظریه زمینه‌ای مطالعه‌ای خطی نیست و فرایند جمع‌آوری داده‌ها به صورت همزمان و طی تحلیل داده‌ها صورت می‌گیرد. به این روند، فرایند سیار<sup>۳</sup> پژوهش گفته می‌شود (اسماعیلی، صلصالی، صلصالی، و چراغی، ۱۳۹۲). فرایند تولید نظریه زمینه‌ای در تصویر (۱) به صورت خلاصه آورده شده است. این تصویر برآیندی از چند مدل ارائه شده است (وی‌اید، ۲۰۰۹، اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰، فرام<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳).

یک پژوهشگر فرایند پژوهش نظریه زمینه‌ای را با انگاره‌های ذهنی خود مثل افکار شروع می‌کند (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰). در واقع پژوهشگر با ذهنی باز و نه با ذهنی خالی وارد پژوهش می‌شود؛ پژوهشگران از این امر تحت عنوان "حساسیت نظری"<sup>۵</sup> یاد کرده‌اند. حساسیت در پژوهش‌های کیفی در مقابل عینیت‌گرایی در پژوهش‌های کمی قرار می‌گیرد. حساسیت نظری تعامل متقابل و جذاب بین پژوهشگر و داده‌ها است که حاصل آن تکامل تدریجی درک داده‌های توصیف شده است (اسماعیلی، صلصالی، و چراغی، ۱۳۹۲). مفاهیم و افکار اولیه به طور طبیعی قبل از شروع هر پژوهشی از منابع اطلاعاتی دیگر بدست می‌آید؛ به نحوی که پژوهشگر را در انتخاب حوزه پژوهش و تعریف موضوع کمک خواهد کرد. حوزه پژوهش در اصطلاحات نظریه زمینه‌ای، قائم به ذات<sup>۶</sup> تلقی می‌شود (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰). بنابراین از شروع فرایند ساخت نظریه، مفاهیم اصلی<sup>۷</sup> حاصل می‌شود که کاربرد محدود و گستره و دامنه بسیار ناچیزی دارند. این

سیطره آزمون نظریه زمینه‌ای بوده و به لحاظ ماهیت تابع منطق قیاسی است. به این ترتیب نظریه زمینه‌ای را می‌توان به مثابه واکنشی به عوامل بیرونی - و در این مورد خاص تسلط روش‌های پژوهش کیفی طی بازه زمانی مذکور - در نظر گرفت. وی‌اید<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) اذعان داشته که نظریه زمینه‌ای شامل تولید نظریه از رهگذر استقرا است. در عین حال بسیاری روش‌شناسان نیز معتقدند که این ادعا یک سوء برداشت در بین استفاده‌کنندگان تازه کار این رویکرد است. کوربین و اشتراوس بیان داشتند که یک نظریه زمینه‌ای مؤثر، نیازمند تعامل و اثر متقابل میان استقرا و قیاس است.<sup>۲</sup>

موضوع دوم، به پژوهشگرانی اشاره دارد که از پژوهش کیفی حمایت نموده و در عین حال بر فقدان دستورالعمل‌های نظام‌مندی جهت بهبود کیفیت پژوهش و همچنین مقابله با انتقادات متفکران حامی پژوهش‌های کمی تأکید می‌کنند. سرخوردگی گلاسر و اشتراوس (۱۹۶۷) برای نظریه‌پردازی بر پایه پیش فرض‌های پیشین، منجر به شکل‌گیری کاتالیزوری جهت ایجاد روشی شد که توانست به نظریه‌پردازی بر اساس داده‌های حاصل از جهان واقعی منجر شود. با ترکیب عمق و غنای سنت پژوهش تفسیری کیفی با منطق، تحلیل نظام‌مند و دقیق پژوهش‌های کیفی میسر شده و نظریه زمینه‌ای رویکرد پژوهشی نوینی را میسر می‌سازد. نظریه زمینه‌ای تلاشی است در راستای رهاسازی نظریه از قالب راحت طلبی‌های گمراه‌کننده پژوهش‌های تجربی و معمول، و نیز آزادسازی نظریه از تحلیل متغیرها یا تأیید فرضیه‌های محدود و غیر الهام‌بخش. طبق بیان گلاسر و اشتراوس (۱۹۶۷) نظریه زمینه‌ای تلاشی در جهت پیوند شکاف موجود بین نظریه و پژوهش تجربی است که به‌وسیله فراهم‌آوری رهنمودهای عملی به نظریه‌پردازی دقیق مربوط به فرآیندهای اجتماعی از داده‌های خام منجر خواهد شد (دان، ۲۰۱۱).

3. Iterative

4. Fram

5. Theoretical Sensitivity

6. Substantive Area

7. Seed Concepts, Narrow Concepts

1. Weed

<sup>۲</sup> بسیاری از نویسندگان، این تعامل و اثر متقابل را به Abduction تعبیر

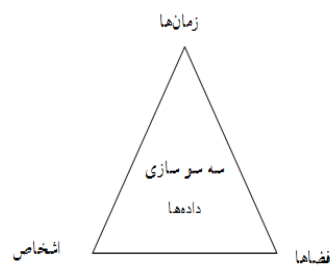
می‌کنند (وی‌اید، ۲۰۰۹).

سازوکاری است برای تعیین موقعیت دقیق یک هدف با بهره‌گیری از چندین نقطه مرجع (مدنی بروجنی و نصر، ۱۳۸۸). کسانی که می‌خواهند موقعیت خود را بر روی نقشه تعیین کنند با استفاده از یک نشانه خاص تنها قادرند اطلاعاتی به دست آورند مبنی بر اینکه موقعیتی در امتداد یک خط و در مسیری خاص دارند؛ اما با استفاده از دو نشانه محل دقیق آن‌ها معلوم می‌شود در واقع آن‌ها جایی هستند که دو خط یکدیگر را قطع می‌کنند.

به عنوان اولین عناصر نظریه زمینه‌ای، دسته‌های مفهومی ابتدا توسط ویژگی‌های<sup>۶</sup> خود توصیف می‌شوند (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰). ویژگی‌ها در نظریه زمینه‌ای نوعی مقوله فرعی برای کدگذاری است که توضیح بیشتری در مورد هر مقوله ارائه می‌دهد (بازرگان، ۱۳۹۱: ۹۸). با استفاده از برش‌های اضافی داده‌ها، دسته‌های بیشتری درون ساختارهای نظری به وسیله ایجاد ارتباط بین آن‌ها مفهوم‌پردازی<sup>۷</sup> می‌شوند. می‌شوند. مقایسه مداوم<sup>۸</sup> داده‌ها، دسته‌ها، مفاهیم و ساختارهای قبلی کلید این روش است (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰). روش مقایسه مداوم، مفهومی کلیدی در توسعه و درک نظریه زمینه‌ای است زیرا برای مفهوم‌سازی یا محاسبات توصیفی می‌توان از آن استفاده کرد. گام اول در شروع فرآیند نظریه زمینه‌ای درک و کاربرد مقایسه مداوم است. روش مقایسه مداوم برای فرآیند مداوم نظریه زمینه‌ای و مقایسه بخش‌ها در بطن مقوله‌ها یا در میان آن‌ها ابداع شد. این روش موضوع اصلی در بارورسازی نظریه است (شی‌یا و جورج،<sup>۹</sup> ۲۰۱۴) که در جهت کشف مقوله‌های مهم، برقراری روابط بین مقوله‌ها، بسط مقوله‌های کشف شده به سطوح بالاتر انتزاع یا مفهوم‌سازی و نظم مقوله‌ها در رابطه با یکدیگر یاری می‌رساند (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۷۲). به‌طور کلی مقایسه مداوم، محصول پروژه پژوهشی نظریه زمینه‌ای است. هر گونه اطلاعات غنی به همراه اجزا و برجسب‌های مفهومی مانند حوادث، کاربردها،

مفاهیم به خودی خود سازه‌های مفهومی هستند، هرچند اغلب فراتر از ادراکات نبوده و زمینه‌های تجربی اندکی را شامل می‌شوند. سارکر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) این مرحله را به عنوان موجودیتی که به صورت غیر رسمی با داده‌ها تعامل دارند توصیف کرده‌اند (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰).

در مرحله بعد پژوهشگر برش‌هایی از داده‌های<sup>۲</sup> بدست آمده از پژوهش و کدهای مربوط به آن‌ها را درون دسته‌های مفهومی قرار می‌دهد. برش‌های داده از منابع مختلف و با کاربرد روش‌های مختلف گردآوری داده به دست می‌آید. این امر فرصتی برای تأیید و سه سو سازی داده‌ها<sup>۳</sup> فراهم می‌کند (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰). سه سو سازی داده‌ها به کاربرد منابع گوناگون داده‌ها اشاره دارد. به باور دنزین<sup>۴</sup> سه سو سازی داده‌ها شامل زمان‌ها، فضاها و اشخاص است؛ فرض او این است که فهم پدیده‌های اجتماعی، باید در شرایط گوناگون و مبتنی بر سه عنصر مذکور مورد بررسی قرار گیرد (اولیور و دی‌دی،<sup>۵</sup> ۲۰۰۶). در حقیقت می‌توان چنین ادعا نمود نمود که زمان‌ها، فضاها و اشخاص سه رأس مثلث مربوط به سه سو سازی داده‌ها هستند.



تصویر ۱. نمایی از سه سو سازی داده‌ها

سه سو سازی در واقع استعاره‌ای برگرفته از حوزه امور نظامی و دریاداری است؛ به بیان دیگر روش سه سو سازی

<sup>۶</sup> ProPerties  
<sup>۷</sup> Conceptualized  
<sup>۸</sup> Constant Comparison  
<sup>۹</sup> George

<sup>۱</sup> Sarker, et al.  
<sup>۲</sup> Slices of Data  
<sup>۳</sup> Corroboration or Triangulation of the Data  
<sup>۴</sup> Denzin  
<sup>۵</sup> Oliver & DeeDee

حاصل را تجزیه و تحلیل می‌کند و درباره داده‌هایی که در مرحله بعد باید گردآوری شوند و مکانی که به منظور نظریه پردازی باید داده‌ها را از آنجا بدست آورد تصمیم‌گیری می‌کند (شی‌یا و جورج، ۲۰۱۴). پژوهشگر تا زمانی که به نظریه دست نیافته به انتخاب افراد جدید برای شرکت در پژوهش ادامه می‌دهد (رضویه، ۱۳۹۳: ۲۸۵). این نمونه‌گیری به این دلیل نظری خوانده می‌شود که تصمیم‌گیری در مورد جهت بعدی گردآوری داده‌ها متکی به ظهور مقوله‌ها و نظریه اساسی پژوهش است (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۶۳).

در فرآیند انتخاب مورد، گردآوری داده و تجزیه و تحلیل به طور هم‌زمان یافته‌های اولیه تا اشباع نظری چندین بار مورد بررسی قرار گرفته، تقویت شده و حتی ممکن است تغییر یابد. پس از انتخاب مورد و موقعیت‌های پژوهشی جدید، هر واحد مجزای اطلاعات برای بهبود ویژگی‌های هر رده، روابط علی بین رده‌ها و اشباع هر رده که تنها بخش شناخته شده یا درک شده است مورد استفاده قرار می‌گیرند. بطور کلی، نمونه‌گیری نظری برای تولید داده‌های بیشتر و برای اثبات و تأیید رده‌های اصلی تا دستیابی به اشباع نظری استفاده می‌شود (شی‌یا و جورج، ۲۰۱۴). مفاهیم اشباع‌شده تا آنجا که امکان دارد در قالب روابط بین دسته‌های اصلی تنزل یافته و سپس یک نظریه زمینه‌ای را تشکیل می‌دهند. بنابراین نظریه زمینه‌ای تولید شده به طور قطعی به داده‌هایی متکی است که منجر به شکل‌گیری چنین ساختاری شده است (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰). اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که داده جدید و بینش نظری جدیدی از رهگذر مطالعه بیشتر حاصل نشود (شی‌یا و جورج، ۲۰۱۴).

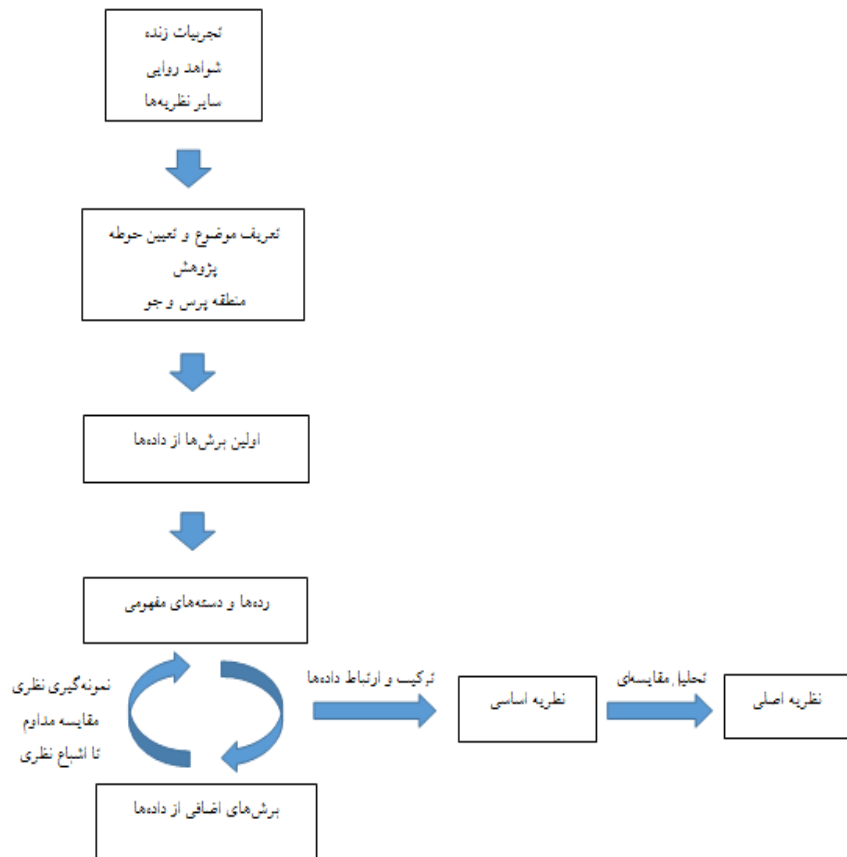
متغیرها، تعامل‌ها، ویژگی‌ها، ابعاد، زیر رده‌ها، رده‌ها و رده‌های اصلی بایستی با یکدیگر مقایسه شوند. تنها از طریق مقایسه‌های دقیق می‌توان به نظریه‌ای دقیق دست یافت (شی‌یا و جورج، ۲۰۱۴). واژه تداوم بر این امر تأکید دارد که روند مقایسه و اصلاح مقوله‌ها بایستی آنقدر تکرار شود تا سرانجام مقوله‌بندی به یک نتیجه رضایت بخش و تولید نظریه منتهی شود. این نوع مقایسه در تمام مراحل پژوهش و فرایند تحلیل صورت می‌گیرد و باعث جداسازی رده‌های موضوعی از هم و شناسایی نسبت‌ها و حیطه‌های خاص هر مقوله می‌شود (فرام، ۲۰۱۳). فعالیت‌های تحلیل پس از گردآوری و مقایسه مداوم داده‌ها انجام می‌گیرد و تا زمانی که پژوهشگر به اشباع برسد تکرار می‌شود (دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۶۷). تحلیل روش مقایسه مداوم به عنوان یک روش و فن مترادف با نظریه زمینه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. اوکانر، تور، و توماس<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) با مرور مرور پیشینه‌های مرتبط با نظریه زمینه‌ای نشان دادند که طی چند دهه گذشته، روند مداوم رو به رشدی در کاربست روش تحلیل مقایسه مداوم درون ساختارهای نظریه زمینه‌ای وجود داشته است.

در مرحله بعد، داده‌های اضافی با استفاده از نمونه‌گیری نظری<sup>۲</sup> تا حصول به دسته‌هایی که اشباع<sup>۳</sup> شده، به دست می‌آیند (یعنی هیچ نمونه بیشتری از آن‌ها در داده‌ها وجود ندارد) و تا زمانی که هیچ گروه مفهومی جدید یا بروز روابط بیشتری حاصل نشود این کار ادامه می‌یابد (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰). نمونه‌گیری نظری در تصمیم‌گیری برای آنچه بررسی می‌شود و اینکه چه کسانی باید در مرحله بعد مورد مصاحبه قرار گیرند کاربرد دارد. نمونه‌گیری نظری به مشخص کردن ویژگی‌های هر گروه، روابط علی و تعیین گروه‌های اشباع کمک می‌کند. گلاسر و اشتراوس (۱۹۶۷) اظهار داشته که نمونه‌گیری نظری فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی است که به موجب آن تحلیل‌گر بطور مشترک با کار گردآوری داده به کدگذاری داده‌ها پرداخته و داده‌های

1. O'Connor, Netting, & Thomas

2. Theoretical Sampling

3. Saturated



تصویر ۲. مدل مفهومی مرتبط با چرخه تولید و نظریه‌پردازی در مطالعات علم اطلاعات و دانش‌شناسی بر پایه نظریه زمینه‌ای (وی‌اید، ۲۰۰۹، اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰، فرام، ۲۰۱۳).

با کمک رایانه‌ها<sup>۳</sup> در سازماندهی را ارائه دادند (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰). پس از نظریه‌های اساسی، بالاترین سطح انتزاع در نظریه زمینه‌ای نظریه رسمی<sup>۴</sup> نامیده می‌شود. نظریه‌های رسمی بر موجودیت‌های مفهومی مانند دانش سازمانی، یادگیری سازمانی یا کار مشترک تمرکز دارند. تصویر (۲) این سلسله مراتب نظریه‌ها را نشان می‌دهد. ایده کلی استفاده از نظریه زمینه‌ای این است که همان‌طور که پژوهشگر دامنه مشاهدات خود را بیشتر می‌کند، دامنه و گستره نظریه افزایش می‌یابد. گلاسر و اشتراوس (۱۹۶۷) به منظور تولید نظریه رسمی پیشنهاد کردند که تحلیل مقایسه‌ای باید با توجه

نظریه ایجاد شده از پژوهش‌های زمینه‌ای، یک نظریه اساسی و ذاتی است. در واقع نظریه‌هایی که از درون یک پرسش خاص و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای موسوم به نظریه‌های اساسی<sup>۱</sup> است. نظریه‌های اساسی قسمت اصلی پرس‌وجو به حساب می‌آید، اما مستقل و فراتر از تجزیه و تحلیل و مشاهدات است (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰). هر چند این نظریه‌ها ممکن است در سطح وسیعی کاربرد یابند، ولی در اصل با هدف کاربرد عمومی مطرح نمی‌شوند (اسماعیلی، صلصالی، و چراغی، ۱۳۹۲). به عنوان مثال اورلیکوسکی<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) نظریه اساسی مربوط به کاربرد ابزار مهندسی نرم‌افزار

<sup>3</sup>. Case (Computer Aided Software Engineering)

<sup>4</sup>. Formal Theories

<sup>1</sup>. Substantive Theories

<sup>2</sup>. Orlikowski

هر چند چهارچوب ترسیمی در تصویر (۳) می‌تواند برای سایر رویکردهای پژوهشی نیز مفید باشد اما به طور خاص برای نظریه زمینه‌ای قابل اجرا تصور می‌شود.

محور اول: درجه مفهوم سازی<sup>۱</sup>، می‌تواند به عنوان پیونددهنده فرآیند طراحی نظریه زمینه‌ای با سطح تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در نظر گرفته شود. اولین محور از این چهارچوب، درجه‌ای است که تحلیل داده‌ها صورت می‌گیرد (مربوط به محور افقی در تصویر ۳). هدف اصلی پژوهش نظریه زمینه‌ای تعمیق هر چه بیشتر تحلیل است. درجه مفهوم‌سازی سه سطح دارد:

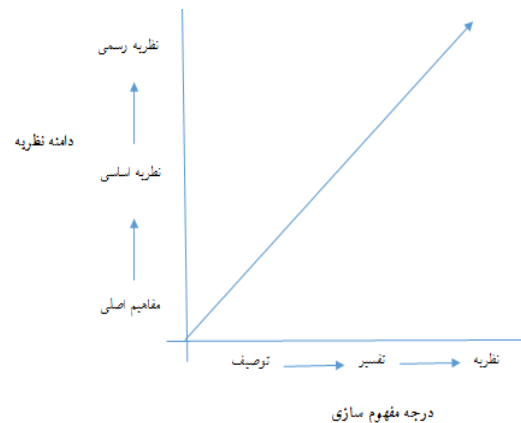
۱. توصیف<sup>۲</sup>: نخستین مرحله به توصیف‌ها می‌پردازد. این توصیف‌ها اساسی‌ترین ساختارهای مفهومی است؛ ساختارهایی که پیش از تعیین مفاهیم در سطح رده‌ها مطرح نمی‌شوند. رده‌ها دارای ویژگی‌هایی با جزئیات کامل هستند که معمولاً از طریق فرآیند کدگذاری آزاد حاصل می‌شود.

۲. تفسیر<sup>۳</sup>: این مرحله، تفسیر رده‌ها و ویژگی‌های حاصل است. در این مرحله، مشکل پژوهش باز تعریف شده و به عنوان جنبه‌های مشکل پژوهش از طریق کدگذاری گزینشی ظاهر می‌شود. کدگذاری گزینشی برای پالایش ساختارهای مفهومی به کار رفته که به تبیین تعامل‌های ایجاد شده بین رده‌های توصیفی کمک می‌کند. این تمرکز صریح بر علت‌شناسی به هدف شناخت و تشریح یک یا چند موضوع خاص مرتبط با پژوهش صورت می‌گیرد.

۳. کدگذاری نظری<sup>۴</sup>: مرحله سوم، کدگذاری نظری است که فرمول‌بندی یک نظریه را در پی دارد. هدف این مرحله استنتاج و یا پیش‌بینی (گاهی اوقات در قالب فرضیه) در مورد یک پدیده است. استنتاج و پیش‌بینی مزبور به وسیله تصریح روابط روشن و صریح بین ساختارهای توصیفی فردی بدست می‌آید؛ به قسمی که رابطه همبستگی یا نوعی رابطه علی را به تصویر می‌کشد. نظام استنتاج کلیت پژوهش را تحت حمایت خود

به نظریه‌های اصلی گوناگون که درون حوزه‌ای خاص مطرح شده و نیز از طریق کاربرد ایده‌های نظری اصلی که از موارد متعدد منبعث شده شکل گیرد. نظریه اساسی را می‌توان به عنوان سکوی پرشی به نظریه رسمی از طریق هدایت اولیه در بسط دسته‌های مفهومی در نظر گرفت (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰).

چهارچوب نظریه‌پردازی در مطالعات نظریه زمینه‌ای: در نظریه زمینه‌ای دو رویکرد برای نظریه‌پردازی قابل مشاهده است. این رویکردها درجه مفهوم‌سازی و دامنه نظریه را در بر می‌گیرند. ابعاد مذکور، فرایند نظریه زمینه‌ای مرتبط با مفهوم‌سازی نظریه‌پردازی را به گونه‌ای طرح می‌کنند که فراتر از توصیف محض حرکت کرده و همچنین به ارتباط بین دسته‌ها و شکل‌گیری دامنه نظریه در سطح مناسب کمک می‌کنند. خلاصه‌ای از این چهارچوب در تصویر (۳) نشان داده شده است (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰):



تصویر ۳. چارچوبی برای تجزیه و تحلیل مطالعات نظریه زمینه‌ای (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰)

هدف اصلی از کاربرد نظریه زمینه‌ای ساخت نظریه (یا نظریه‌پردازی) است؛ پژوهشگر باید طراحی نظریه‌هایی با دامنه وسیع‌تر را هدف قرار دهد. تجزیه و تحلیل داده‌ها فراتر از توصیف صرف نظریه است و دامنه نظریه نیز با بسط مفاهیم رسمی وسعت می‌یابد. به طور کلی، مطالعات مرتبط با نظریه زمینه‌ای بایستی گوشه سمت راست تصویر را مدنظر قرار دهد.

1. Degree of Conceptualization  
2. Description  
3. Interpretation  
4. Theoretical Coding



در داده‌ها تشخیص داده است. یک ویژگی، جنبه یا خصیصه‌ای مفهومی متعلق به یک دسته مفهومی است.

کدگذاری محوری شامل "شرایط، بافت، پیامدها و راهبردهای تعاملی/کنشی" است. این نوع کدگذاری مجموعه روش‌هایی را برای ارتباط رده‌ها و زیر رده‌ها با جمع‌آوری مجدد داده‌ها به شیوه‌ای جدید بعد از کدگذاری آزاد ارائه می‌کند. در طول کدگذاری محوری، تمام روابط فرضی باید موقتی در نظر گرفته شده تا بارها و بارها و در مواجهه با داده‌های ورودی دیگر مورد بررسی قرار گیرند. پیشامد مورد حمایت از جانب پژوهشگر مبنای کافی جهت تأیید یا رد یک فرضیه نیست. برای افزایش روایی، هر فرضیه بایستی به وسیله داده‌ها به طور مداوم مورد بررسی قرار گیرد. ناپایداری فرضیه (در شرایط مختلف) بایستی به صورت انتقادی ارزیابی شود. بهترین روش آن است که همواره ناپایداری پدیده‌ها از سوی پژوهشگر مورد توجه قرار گیرد.

کدگذاری گزینشی طراحی فرآیندی برای تجمیع تمام رده‌ها به عنوان رده‌های اصلی است. رده‌های اصلی پدیده اصلی در بافت مطالعه را ارائه می‌دهد که به توضیح بیشتری نیاز دارد. این رده‌ها رفتار آزمودنی‌ها در رفع نگرانی‌های اساسی را توضیح می‌دهند. تمام رده‌های اصلی بایستی به عنوان بهترین عامل متناسب با داده‌ها شکل گرفته باشند. کدگذاری گزینشی می‌تواند از طریق کدگذاری هر چه بیشتر داده‌ها در مراحل ابتدایی یا از طریق کدگذاری داده‌های گردآوری شده جدید حاصل شود. کلیه رده‌های اصلی از طریق اشباع نظری پدیدار می‌شوند. اشباع نظری هنگامی حاصل می‌شود که هیچ رده اصلی دیگری را نتوان ایجاد کرد (شی‌یا و جورج، ۲۰۱۴).

محور دوم: دامنه نظریه<sup>۵</sup>، برای ارتباط دادن نتایج ساختن یک نظریه زمینه‌ای در نظر گرفته می‌شود. با توجه به اصول نظریه زمینه‌ای، هدف اولیه این روش ایجاد نظریه‌هایی با دامنه وسیع‌تر است.

برای یک نظریه‌پرداز زمینه‌ای سه سطح از نظریه وجود دارد (مفاهیم اصلی، نظریه‌های اساسی، و نظریه‌های رسمی) که

قرار می‌دهد. بدون کدگذاری نظری، نظریه‌ای وجود نخواهد داشت از آن رو که روابط بین ساختارها در نظر گرفته نمی‌شود (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰). در فرایند کدگذاری در نظریه زمینه‌ای، حرکت از مرحله اول که کدگذاری کلمه به کلمه در جهت توصیف پدیده است به مرحله بعدی یعنی مفهوم‌سازی به کمک یادداشت‌برداری و ظهور ایده‌ها، عقاید و ارتباط آن با گزارش‌های اصلی مطالعه است. گلاسر اذعان داشته است که نوشتن یادداشت‌های نظری، فعالیت اصلی در یک پژوهش مرتبط با نظریه زمینه‌ای است. یادداشت‌ها، در حقیقت نظریه پردازی در باب ایده‌های مکتوب و در مورد کدها و نوع ارتباط آن‌ها در هنگام تحلیل و کدگذاری است (اسماعیلی، صلصالی، و چراغی، ۱۳۹۲). نوشتن یادداشت‌ها به پژوهشگر کمک می‌کند تا اندیشه‌ها و افکار برآمده از داده‌ها و مقوله‌های کدگذاری شده را روشن‌تر نمایان کند (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

از لحاظ نظری کدگذاری حساس<sup>۱</sup> مفاهیمی قوی از داده‌های غنی فراهم آورده و پدیده واقعی که پژوهشگر در صدد مشاهده و تصویرسازی آن را تفسیر می‌کند. کدگذاری حساس به لحاظ نظری، کدگذاری آزاد<sup>۲</sup>، کدگذاری محوری<sup>۳</sup>، کدگذاری گزینشی<sup>۴</sup> را شامل می‌شود. در بسیاری متون به جای واژه کدگذاری حساس از واژه کدگذاری استفاده شده است؛ این دو واژه از نظر مفهومی یکی هستند. در واقع کاربرد واژه حساس به دلیل حساسیت این مرحله از پژوهش زمینه‌ای است.

کدگذاری آزاد شامل رده‌ها، زیر رده‌ها و ویژگی‌های شناخته شده از داده‌ها است. کدگذاری اغلب به صورت خط به خط برای مفهوم‌سازی کلیه جزئیات موجود در داده‌ها انجام پذیرفته و موجب شکل‌گیری بسیاری از رده‌ها، زیر رده‌ها و ویژگی‌ها می‌شود. یک رده در کنار زیر رده‌هایش بازنمونی انتزاعی از مطلبی است که پژوهشگر آن را به عنوان موضوع حائز اهمیت

<sup>1</sup>. Sensitive Coding

<sup>2</sup>. Open Coding

<sup>3</sup>. Axial Coding

<sup>4</sup>. Selective Coding

<sup>5</sup>. Theory Scope

معرفی می‌کند و راجع به سطوح نظریه (دامنه نظریه) و درجه‌ای که مفاهیم تئوریزه می‌شوند (مفهوم‌سازی نظریه<sup>۲</sup>) به بحث می‌پردازد. این چارچوب به عنوان پایه و اساسی برای دستورالعمل‌های پژوهشگران نظام‌های اطلاع‌رسانی با استفاده از نظریه زمینه‌ای به کار می‌رود (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰).

آنچه در نظریه زمینه‌ای - به عنوان یک روش‌شناسی پژوهشی- و در پیوند با ارزیابی کیفیت مهم است توجه به پیش‌فرض‌های روش مورد استفاده و برقراری ارتباط آن با سایر اجزای این روش‌شناسی پژوهشی است. برای بیان واژه کیفیت در مطالعات نظریه زمینه‌ای از واژه‌های تناسب، استحکام، مرتبط بودن و قابلیت تغییر استفاده می‌شود. تناسب توسط مقایسه مداوم و اشباع نظری بدست می‌آید و در ارتباط با چگونگی پیوند بین مفاهیم و نظریه حاصل از پژوهش، متناسب با وقایع و پدیده ارائه شده است. وقتی استحکام نظری حاصل می‌شود که نظریه قادر به توضیح تحلیلی برای حل مشکلات و تشریح فرایندها در بافت و زمینه مورد مطالعه باشد. مرتبط بودن نظریه، به گستره مفاهیم واقعی درگیر در فرآیندی که می‌تواند کاربردی باشد اشاره دارد. موضوع دیگر اینکه نظریه زمینه‌ای باید قابلیت تغییر جهت به سمت توسعه و تعدیل بینش‌های جدید را داشته باشد (اسپارکز و اسمیت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹).

### بحث و نتیجه‌گیری

بسیاری از کاربردهای نظریه زمینه‌ای سنتی در پژوهش‌های اطلاع‌رسانی با تمرکز روی طراحی دسته‌های موضوعی و تعیین ویژگی‌های آن‌ها، یک تصویر کلی از شرایط موجود را ارائه می‌دهد. این روش با دور شدن از تمرکز روی کدگذاری و دسته‌بندی صرف به سمت تاکید بیشتر روی تشریح و تفسیر، بر موقعیت‌های پویا تمرکز نموده و امکان بررسی ماهیت تغییرپذیر آن را در قالب نقشه‌های پویا که ماحصل تقابل کنش

پیش‌تر بیان شد. نظریه زمینه‌ای می‌تواند به یک پژوهشگر برای ایجاد نظریه‌هایی با دامنه وسیع‌تر کمک کند. در حقیقت، هدف اصلی یک نظریه‌پرداز زمینه‌ای حرکت رو به بالا در امتداد محور سمت چپ تا اندازه ممکن است. اگر چه چارچوبی که ارائه شده دو بعد دارد، ولی هر دو محور کاملاً مرتبط به یکدیگر هستند. این چارچوب را در درجه اول به عنوان وسیله‌ای برای شفاف‌سازی آنچه نظریه زمینه‌ای خوب باید مشابه آن باشد ارائه کردیم. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، هدف اصلی نظریه زمینه‌ای ایجاد نظریه‌ای مبتنی بر داده‌های گردآوری و تحلیل شده به شیوه نظام‌مند است. بدیهی است، میزان تحلیل و مفهوم‌سازی داده‌ها بر دامنه نظریه ارائه شده تاثیرگذار است. در حالت ایده‌آل، پژوهشگر با استفاده از نظریه زمینه‌ای بایستی برای حرکت از گوشه پایین سمت چپ به گوشه بالای سمت راست تا حد ممکن تلاش کند (مشابه فلش مورب در تصویر ۳) (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰).

*نظریه‌پردازی در حوزه نظام‌های اطلاع‌رسانی: نقش نظریه* در نظام‌های اطلاع‌رسانی در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال گرگور<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) یک طبقه‌بندی از نظریه در نظام‌های اطلاع‌رسانی که دربرگیرنده دسته‌های زیر می‌باشد ارائه داده است: نظریه برای تجزیه و تحلیل، نظریه برای تشریح، نظریه برای پیش‌بینی، نظریه برای تشریح و پیش‌بینی و نظریه برای طراحی و عمل. پیشنهاد می‌شود که نظریه زمینه‌ای توانایی تولید نظریه‌ای که در همه این دسته‌ها وجود دارد را داراست، زیرا دربرگیرنده بلوک‌های ضروری ساختمان هر نظریه می‌باشد. ساختاربندی در قالب دسته‌ها و ارتباط بین این سازه‌ها در کدگذاری نظری است.

از ویژگی‌های شناخته شده دامنه پژوهش در نظام‌های اطلاع‌رسانی، کاربرد بسیاری از نظریه‌های مستخرج از رشته‌های دیگر است. اگر چه واردات نظریه از خارج رشته اغلب با ارزش است، ولی بهتر است که از نظریه زمینه‌ای برای ساختن نظریه‌هایی در درون خود رشته استفاده شود. تصویر (۳) چارچوبی برای نظریه‌پردازی در مطالعات نظریه زمینه‌ای

2. Theory Conceptualization

3. Sparkes & Smith

1. Gregor

نکته پایانی آنکه کاربست نظریه زمینه‌ای تقابلی است دائمی میان ذهن خلاق پژوهشگر و داده‌های گردآوری شده. تقابلی که به نوعی هم علم است و هم هنر؛ علم است به این معنا که پژوهشگر با لحاظ نمودن مبانی تحلیلی از داده‌ها، حدی از انضباط را رعایت می‌کند و هنر است از آن نظر که حضور پیوسته خود را در توان مقوله‌پردازی و پرسیدن سؤال‌های برانگیزاننده در ذهن پژوهشگر و استخراج یک طرح نو و منسجم نشان می‌دهد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰).

#### منابع

اشتراوس، ا؛ کوربین، ج. (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. (ترجمه ابراهیم افشار). تهران: نشر نی.

اسماعیلی، م؛ صلصالی، م؛ چراغی، م.ع. (۱۳۹۲). کیفیت در مطالعات گراند تئوری. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۲(۳)، ۲۸۷-۲۹۶.

بازرگان، ع. (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*. دیدار: تهران.

پاول، رونالد، ار. (۱۳۷۹). *روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران*. ترجمه نجلا حریری. تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

دانایی فرد، ح. (۱۳۸۹). *استراتژی‌های نظریه پردازی*. تهران: سمت. رضویه، ا. (۱۳۹۳). *روش‌های پژوهش در علوم رفتاری*. شیراز: دانشگاه شیراز.

مدنی بروجنی، ا؛ نصر، ار. (۱۳۸۸). سه سو سازی: راهبردی برای نوآوری در پژوهش‌های آموزشی. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۸(۳۰)، ۵۶-۷۳.

منصوریان، ی. (۱۳۸۶). *گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟*. مجموعه مقالات همایش چالش‌های علم اطلاعات اصفهان،

Charmaz, K. (2008). *Grounded Theory as an Emergent Method*. In: SN Hesse-Biber & P. Leavy (Eds), *Handbook of Emergent Methods*. New York: Guilford. Pp. 155-172.

Dunne, C. (2011). The Place of the Literature Review in Grounded Theory Research. *International Journal of Social Research Methodology*, 14(2), 111-124.

و واکنش است، فراهم می‌آید (واسکونسوس، سن، روزا، و ایلس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). روش‌های مرتبط با نظریه زمینه‌ای اغلب در مسیری روشن یعنی برای ایجاد نظریه استفاده می‌شوند؛ به اضافه جهت انجام پژوهش‌های کاربردی و حل مشکلات مربوط به ارزیابی کتابخانه‌ها و کاربران آن‌ها قابل استفاده هستند (ویلدِموت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

امروزه کاربرد نظریه زمینه‌ای بسیار گسترش یافته است، در این میان موضوع مهم و قابل توجه ارتقاء هدف اولیه این روش -تولید نظریه- است که نباید از آن غفلت کرد. در این مقاله سعی داشتیم با ارائه مدلی ساده و قابل فهم، روند عملیاتی نظریه زمینه‌ای را تا تولید نظریه به صورت شفاف بیان شد تا پژوهشگران از این طریق بهتر بتوانند مراحل طی شده را درک کرده و در پژوهش‌های خود بکارگیرند. در این راستا کاربست دستورالعمل‌های زیر جهت ارائه هر چه بهتر یک نظریه زمینه‌ای باید مد نظر قرار گیرد:

۱. مقایسه مداوم در بطن نظریه زمینه‌ای قرار دارد. مقایسه مداوم این اطمینان را می‌دهد که دسته‌ها و نظریه ارائه شده به نحو مناسبی طراحی و ایجاد شده‌اند.

۲. مفهوم‌سازی‌های مکرر پایه و اساس نظریه زمینه‌ای هستند. تعامل پویا بین تحلیل و گردآوری داده‌ها - جایی که ارتباط بین مفاهیم به شیوه‌ای قابل قبول ایجاد می‌شود- از ویژگی‌های متمایز روش نظریه زمینه‌ای نسبت به سایر روش‌های پژوهش کیفی است.

۳. نمونه‌گیری نظری، موجب افزایش ربط و استحکام نظریه می‌شود؛ آن هم در وضعیتی که این افزایش، ارتقاء در سطح انتزاع را موجب می‌گردد.

۴. یکپارچه‌سازی (تجمیع) نظری<sup>۳</sup> که موجب برقراری ارتباط میان نظریه جدید با سایر نظریه‌ها شده و پتانسیل لازم را جهت همگرا نمودن تلاش‌های غیرمتجانس در حوزه نظریه‌سازی فراهم می‌نماید (اوگهارت، لمان، و مایرز، ۲۰۱۰).

<sup>1</sup> Vasconcelos, Sen, Rosa, & Ellis

<sup>2</sup> Wildemuth

<sup>3</sup> Theoretical Integration

- Elliott, N, Lazenbatt, A. (2005). How to Recognize A 'Quality' Grounded Theory Research Study. *Aust J Adv Nurs*, 22(3), 48-52.
- Fram, S. M. (2013). The Constant Comparative Analysis Method Outside Of Grounded Theory. *Qualitative Report*, 18(1), 1-25.
- Mcghee, G., Marland, G.R., & Atkinson, J. (2007). Grounded Theory Research: Literature Reviewing and Reflexivity. *Journal of Advanced Nursing*, 60(3), 334-342.
- O'Connor, M. K., Netting, F. E., & Thomas, M. L. (2008). Grounded Theory: Managing the Challenge for Those Facing Institutional Review Board Oversight. *Qualitative Inquiry*, 14(1), 28-45
- Oliver, M., Deedee, A. (2006). The Use of Triangulation Methods in Qualitative Educational Research. *Journal of College Science Teaching*, 35(4), 42-47.
- Shiau, W. L., & George, J. F. (2014). A Grounded Theory Approach to Information Technology Adoption. *Communications of the Association for Information Systems*, 34(1), 81.
- Sparkes, AC, Smith, B. (2009). Judging the Quality of Qualitative Inquiry: Criteriology and Relativism in Action. *Psychology of Sport and Exercise*, 10(5), 491-7.
- Tan, J. (2010). Grounded Theory in Practice: Issues and Discussion for New Qualitative Researchers. *Journal of Documentation*, 66(1), 93-112.
- Urquhart, C., Lehmann, H., & Myers, M. D. (2010). Putting the 'Theory' back into Grounded Theory: Guidelines for Grounded Theory Studies in Information Systems. *Information Systems Journal*, 20(4), 357-381.
- Vasconcelos, A, Sen, B., Rosa, A., Ellis, D. (2012). Elaborations of Grounded Theory in Information Research: Arenas/Social Worlds Theory, Discourse and Situational Analysis. *Library and Information Research*, 36(112), 120-146.
- Weed, M. (2009). Research Quality Considerations for Grounded Theory Research in Sport & Exercise Psychology. *Psychology of Sport and Exercise*, 10(5), 502-10.
- Wildemuth, B. (2014). Applying Grounded Theory Methods To Library And User Assessment. *Libraries in the Digital Age (LIDA) Proceedings*, 13.